

## هزینه مبادله از نگاه نهادگرایی جدید و فقه امامیه (با تأکید بر دوره صفویه)

یوسف محمدی\*

محمدرضا یوسفی شیخ ریاط\*\*

مجید رضایی\*\*\*

DOI: 10.22096/esp.2022.135950.1406

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۷

### چکیده

هزینه مبادله یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات در آثار نهادگرایان به‌ویژه نهادگرایان جدید است. توجه نهادگرایان جدید به هزینه مبادله ناشی از اهمیت این موضوع در اقتصاد است؛ به‌گونه‌ای که مبادله و هزینه آن بخش عمده‌ای از اقتصاد هر جامعه را به خود اختصاص می‌دهد. بالا بودن هزینه مبادلات، مانع انجام بسیاری از مبادلات می‌شود یا حداقل سرعت مبادلات را کاهش می‌دهد و در نتیجه مانع رفاه و توسعه اقتصادی جامعه می‌شود. در این نوشتار تلاش شده با روش توصیفی و تحلیل اقتصادی و فقهی به دو پرسش پاسخ داده شود: یکی این که آیا فقه امامیه به هزینه مبادلات توجه کرده است؟ پرسش دیگر این است که با توجه به نقش فقها در دوره صفویه آیا در این دوره، عناصر مورد تأکید نهادگرایی و فقه رعایت و در کانون توجه قرار گرفته است؟ در این راستا ضمن تبیین عناصر و مؤلفه‌های هزینه مبادله از نگاه نهادگرایان جدید این مؤلفه‌ها را در فقه امامیه بررسی نموده و به این پاسخ دست‌یافته‌ایم که از نگاه مبنایی این دو رویکرد تفاوت جدی با یکدیگر دارند، اما احکام مبادلات و خيارات در فقه می‌تواند به لحاظ کارکردی در راستای تحلیل موردنظر نهادگرایان قرار گیرد. درباره پرسش دوم نیز با مرور و بررسی اجمالی حقوق مالکیت در دوره صفویه به این نتیجه رسیدیم که تضمین حقوق مالکیت جز در مقاطع محدودی رعایت نشده است.

واژگان کلیدی: هزینه مبادله؛ فقه و هزینه مبادله؛ احکام معاملات؛ احکام خيارات؛ حق فسخ؛ دوره صفویه.

طبقه‌بندی موضوعی: D23 ; B15 ; A13 ; Q2 ; Q3

\* دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته فقه و مبنای حقوق اسلامی، دانشگاه مفید، قم، ایران. Email: mohammadi.yousof@gmail.com

\*\* دانشیار، دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسؤل) Email: yousefi@mofidu.ac.ir

\*\*\* استادیار، دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید، قم، ایران. Email: rezai@mofidu.ac.ir



## مقدمه

هزینه مبادله از مهم‌ترین موضوعاتی است که مورد تأکید نهادگرایان جدید قرار گرفته است. هزینه مبادله را معمولاً متأثر از مقاله کوز (1937)<sup>۱</sup> می‌دانند که توسط ویلیامسون (2005)<sup>۲</sup> استفاده شده است.<sup>۳</sup>

در دستگاه فکری نئوکلاسیک‌ها هزینه مبادله صفر است. یکی از تفاوت‌های فکری نئوکلاسیک‌ها و نهادگرایان جدید، هزینه مبادله است. به نظر نهادگرایان جدید، هزینه‌های مبادلات چارچوبی برای فعالیت اقتصادی است. هزینه مبادلات در تسهیل و عدم تسهیل دادوستدهای تجاری و در نتیجه رفاه عمومی و توسعه تأثیرگذار است؛ بنابراین نادیده انگاشتن آن در تحلیل‌های اقتصادی به معنای غفلت از یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی است.

در جامعه ایران نیز فقه چنان یک باور و سنت دینی در رفتارهای کارگزاران اقتصادی تأثیرگذار بوده است؛ از این رو با توجه به مؤلفه‌های مرتبط با هزینه مبادله مانند هزینه کسب اطلاعات درباره طرفین مبادله؛ هزینه کسب اطلاعات درباره کالا و خدمات مورد مبادله؛ هزینه عقد قرارداد؛ هزینه نظارت بر اجرا و تضمین اجرای قرارداد- که در رشد و توسعه اقتصادی مؤثر هستند- در این نوشتار با شیوه توصیفی و تحلیل اقتصادی و فقهی، به دو پرسش پاسخ خواهیم داد: اول، اینکه آیا میان عناصر هزینه مبادله از نگاه نهادگرایی جدید و فقه امامیه رابطه‌ای وجود دارد؟ یا به عبارتی دیگر آیا فقه ناظر به هزینه مبادله مورد تأکید نهادگرایان هست؟ دوم، این که آیا عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هزینه مبادله مورد تأکید نهادگرایان و فقهای امامیه در دوره صفویه رعایت شده و در کانون توجه قرار گرفته است؟ برای پاسخ به دو پرسش فوق، مؤلفه‌های هزینه مبادله از نگاه نهادگرایان جدید و فقه امامیه مقایسه و مشابهت‌ها و تفاوت‌های این دو رویکرد بیان خواهد شد. برای پاسخ به پرسش دوم نیز حقوق مالکیت به طور اجمالی در دوره صفویه بررسی می‌شود. نکته شایان ذکر این است که در این

1. Ronald Coeas

2. Williamson

۳. حسین راغفر، «فردگرایی و کل‌گرایی در اقتصادهای نهادگرایی قدیم و جدید»، فصلنامه جامعه و اقتصاد، شماره نوزدهم و بیستم (بهار و تابستان ۱۳۸۸): ۱۵۳.

نوشتار در بخش فقهی تأکید بر کتاب مشهور و معروف فقهی شرایع الاسلام بوده است. البته دیگر کتب فقهی نیز استفاده شده‌اند که به آن‌ها اشاره شده است. این مقاله در سه بخش تدوین یافته است: بخش اقتصادی که در آن به تبیین و پیشینه و شکل‌گیری هزینه مبادله در نگاه نهادگرایی جدید پرداخته شده و در بخش فقهی احکام مبادلات و خيارات مورد بررسی قرار گرفته و مشابهت و تفاوت دو نگاه نهادگرایی و فقه نسبت به هزینه مبادله نیز بیان شده است. در بخش سوم مروری بر حقوق مالکیت دوره صفویه شده و عناصر شفافیت، تضمین و امنیت حقوق مالکیت مورد توجه نهادگرایان و فقهای امامیه در این دوره تطبیق داده شده و در پایان نتیجه‌گیری آمده است.

#### ۱. تعریف مبادله و هزینه مبادله

در سیستم بازار یک نوع فروشنده و خریدار وجود دارد که کالا یا خدمتی استاندارد را تولید می‌کند؛ قیمت کالا و خدمات مورد مبادله نیز با عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. قیمت کالا در بازار علامت‌دهنده‌ای کارا برای انجام مبادله در بازار است؛ بنابراین لازمه این که یک مبادله در بازار تحقق یابد این است که فرایندی طی شود؛ یعنی «شخصی یافت شود که حاضر به انجام چنین مبادله‌ای باشد؛ افرادی که شخص مایل است با آن‌ها معامله کنند مطلع شوند؛ شرایط معامله با آن‌ها مشخص شود؛ با یکدیگر مذاکره کنند؛ قرارداد ببندند؛ بررسی‌های لازم به‌منظور حصول اطمینان از رعایت شروط قرارداد انجام شود و غیره. این کارها معمولاً پرهزینه است و این هزینه‌ها آن قدر زیاد است که مانع انجام بسیاری از مبادلات می‌شود. مبادلاتی که اگر سیستم قیمت‌گذاری بدون هزینه عمل می‌کرد تحقق می‌یافت»<sup>۴</sup> در نتیجه، برای تحقق مبادله در بازار یا بنگاه طرفین مبادله افزون بر قیمت کالا، به‌ناچار متحمل هزینه‌های دیگری نیز خواهند شد؛ این هزینه‌ها شامل هزینه‌های به دست آوردن اطلاعات در مورد فروشنده، خریدار و شیوه رفتار آنان نیز می‌شود. همچنین کیفیت و مقدار کالا یا خدمتی که دادوستد می‌شود و هزینه‌های عقد قرارداد، نظارت بر عملکرد طرف مقابل و از همه مهم‌تر تعریف و تضمین حقوق مالکیت (اجرای حقوق مالکیت) نیز جزو همین هزینه‌ها به‌حساب می‌آید.

۴. محمود متوسلی و دیگران، *تجدید حیات اقتصاد نهادی (نگاهی به اندیشه‌های اقتصاددانان نهادی جدید)* (تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰)، ۱۲۲.

این‌گونه هزینه‌ها را که در فرایند تحقق مبادله بر طرفین مبادله تحمیل می‌شود «هزینه مبادله» می‌نامند. نورث (1960)<sup>۵</sup> معتقد است که «هزینه‌های مبادلاتی عبارت است از هزینه‌های تعیین و تصریح و تضمین اجرای قراردادها که زیربنای دادوستدها هستند و از این‌رو تمام هزینه‌های سازمان سیاسی و اقتصادی را دربرمی‌گیرند و به نظام‌های اقتصادی امکان می‌دهند که از تجارت، منفعت کسب کنند»<sup>۶</sup>.

## ۲. پیشینه و شکل‌گیری هزینه مبادله

نورث، افزایش هزینه‌های مبادلاتی در قرن نوزدهم را با علم و تکنولوژی ناشی از انقلاب صنعتی مرتبط دانست. در اواخر قرن نوزدهم فرایند پیچیده تولید، به تخصصی شدن حرفه‌ای و فضایی و تقسیم کار در مقیاس بی‌سابقه نیاز داشت. با تخصصی شدن کار، تعداد دادوستدها در فرایند تولید افزایش می‌یافت. وجه مشخصه تولید خانگی، ادغام عمودی کامل بود؛ در این دوره هزینه‌های اندازه‌گیری وجود ندارد، زیرا هر فرد تولید خود را بر اساس نیازهای خودش سازمان می‌دهد. انقلاب صنعتی به افزایش تصاعدی دادوستدها با دستاوردهای عظیم در بهره‌وری منجر شد، اما بهای چنین پیشرفتی، افزایش هزینه‌های مبادلاتی بود.<sup>۷</sup>

برای اولین بار کوز فرض مهم صفر بودن هزینه مبادله را زیر سؤال برد. بر اساس فروض نئوکلاسیک‌ها به دلیل بازار رقابت کامل، اطلاعات کامل، انسان عقلایی و فرآیند تعادل خودکار، هزینه مبادله‌ای وجود نداشت. بر همین اساس منابع نیز به‌صورت بهینه تخصیص می‌یابد. کوز بیان کرد که در دنیای واقعی هزینه مبادله صفر نخواهد بود. وی علت وجود بنگاه را همین عدم صفر بودن هزینه مبادله در دنیای واقعی دانست. کوز به‌روشنی بیان می‌کند که اگر مکانیسم قیمت‌توانایی تخصیص بهینه را داشت نیازی به شکل‌گیری بنگاه نبود؛ بنابراین قضیه کوز زمینه ورود هزینه مبادله در دیدگاه نهادگرایان جدید شد. از دیدگاه نهادگرایان جدید، تحولات هزینه مبادله به نقش نهادها بستگی دارد. آنان حقوق مالکیت را به عنوان یک نهاد نقش‌آفرین در کاهش هزینه مبادله مطرح کردند. نورث معتقد است هزینه مبادله دارای چهار عنصر مهم تأثیرپذیر است:

5. Douglass North

۶. محسن رناتی، *بازار یا نابازار (تهران: برنامه‌و بودجه، ۱۳۷۶)* ۱۴۷؛ محمود متوسلی و دیگران، *تجدید حیات*، ۳۱۲.

۷. محمود متوسلی و دیگران، *تجدید حیات*، ۳۲۲.

۱. سنجش (اندازه‌گیری) ویژگی‌های کالا و خدمات: در هر مبادله ویژگی‌های ارزشمند کالا یا خدمتی که مبادله می‌شود باید اندازه‌گیری شود و عملکرد کارگزاران نیز نیازمند سنجش است. اینکه دقیقاً چه چیزی دادوستد می‌شود، یا کارگزاران چگونه و در چه دامنه‌ای عمل خواهند کرد، اینکه حدود حقوق مالکیت تا کجاست، این که اعمال حقوق تا کجا امکان‌پذیر است و... از جمله مواردی هستند که تعیین آن‌ها مستلزم صرف هزینه (اندازه‌گیری) است. باین حال به دلیل محدودیت دسترسی به اطلاعات، در دنیای واقعی اندازه‌گیری کامل امکان‌پذیر نیست.

۲. شیوه انجام مبادله: اگر مبادله به صورت سنتی، دوستانه و همکارانه انجام پذیرد، امکان رفتارهای فرصت‌طلبانه کاهش می‌یابد و نیاز به سنجش‌ها و اندازه‌گیری دقیق و واضح نمودن کامل مواد قرارداد را کاهش می‌دهد.

۳. اعمال و اجرای حقوق مالکیت: پس از مشخص شدن هزینه سنجش و دقت در مواد قرارداد و پیش‌بینی ضمانت کافی و تعریف شفاف حقوق طرفین مبادله، اینکه چگونه ضمانت‌ها و حقوق تعریف‌شده اعمال شوند بر هزینه مبادله تأثیرگذار خواهند بود. هرچه ساختار و نظام حقوقی جامعه ضعیف‌تر و غیرشفاف‌تر باشد، اعمال حقوق افراد نیاز به هزینه بیشتری است و هزینه مبادله را افزایش خواهد داد.

۴. اعتقادات و باورها: نورث معتقد است که ایدئولوژی، باورها و اعتقادات نیز می‌توانند هزینه‌های اندازه‌گیری و تعریف و تضمین و اعمال حقوق مالکیت را کاهش دهند، چون اعتقادات سبب می‌شود که افراد در بسیاری از موارد از منافع شخصی خود گذشت نموده و از رفتارهای فرصت‌طلبانه (سواری مجانی، فریب، عدم پایبندی به تعهدات) پرهیز کنند.<sup>۸</sup>

در زمینه هزینه مبادله و عناصر تأثیرگذار بر هزینه مبادلات در داخل کشور آثار و مقالات علمی محدودی به رشته تحریر درآمده است؛ تفاوت این نوشتار با دیگر آثار این است که این اثر مقایسه‌ای بین سه رشته اقتصاد نهادگرایی جدید، فقه امامیه و دوره تاریخی صفویه است که در آثار قبل به این موضوع پرداخته نشده است.

۸. داگلات سیسیل نورث، «دولت و هزینه مبادله در تاریخ»، ترجمه علی طوسی اردکانی، مجله برنامه و توسعه ۲، شماره ۸ (تابستان ۱۳۷۳): ۴۷ - ۱۲۲؛ محمود متوسلی و دیگران، تجدید حیات، ۳۱۶-۳۱۷.

### ۳. اهمیت و ضرورت بحث در فقه امامیه

پرسشی مهم که برای هر نظام حقوقی مطرح می‌شود این است که آن نظام حقوقی با چه ابزارها و شیوه‌هایی نظام مبادلاتی جامعه را ساماندهی کند تا با کمترین هزینه مبادلات در مسیر گسترش و در نتیجه توسعه اقتصادی قرار گیرد. فقه در قامت یک نظام حقوقی مبتنی بر باور و اعتقاد، همان‌طور که نورث در بند چهار فوق و کتاب «نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی» (۱۳۷۷) تأکید بر عنصر ضمانت اجرا یا اجرای مؤثر دارد و ویلیامسون در مقاله‌ای در توضیح سطح‌بندی عناصر نهادی، اعتقادات و امور فرهنگی را در سطح یک-نهادهای غیررسمی - قراردادی - قرار می‌دهد و قوانین رسمی را در سطح دو-محیط نهادی - و عناصر اجرا و ضمانت اجرا را در سطح سه، یعنی امور حاکمیتی قرار می‌دهد.<sup>۹</sup> باید توجه داشت که عنصر ضمانت اجرا امری است که به حاکمیت برمی‌گردد و این انتظار - امر حاکمیتی - را نباید از فقه داشت. آنچه از فقه باید انتظار داشت این است که آیا فقه با دیدن جوانب مسئله می‌تواند با فرض ضمانت اجرا، هزینه مبادله را کاهش دهد. ادعای این نوشتار این است که فقه بستر مناسبی برای کاهش هزینه مبادله فراهم کرده است که در صورت ضمانت اجرایی باعث کاهش هزینه مبادله در عینیت خواهد شد.

فقه در قامت یک نهاد غیررسمی در جامعه ما از نفوذ بالایی در روابط اجتماعی برخوردار است. حوزه نفوذ فقه را می‌توان در دو بخش بیان کرد:

اول: نفوذ در فرهنگ عمومی جامعه که بر فرض پیروی افراد جامعه در احکام شرعی به‌ویژه احکام مبادلات از مراجع تقلید می‌تواند در شفاف‌سازی مبادلات و تضمین حقوق مالکیت افراد و کاهش هزینه مبادلات نقش مؤثری ایفا کند؛ بدین صورت که در صورت پایبندی افراد به احکام شرعی از ظهور و بروز بسیاری از اختلافاتی که در مبادلات پیش می‌آید و باعث افزایش هزینه مبادلات می‌شود، جلوگیری می‌کند.

دوم: نفوذ در قانون‌گذاری و نظارت و اجراست که بر عهده حاکمیت است. چون قانون‌گذاری در جامعه ما مبتنی بر فقه اسلامی بوده است، قانون‌گذاران در صورت آشنایی و توجه به فقه و

---

۹. حسن آقائری، «تبیین چیستی نهاد و استلزامات آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۸۶ (۱۳۹۵): ۱۴۷.

مسائل و مشکلاتی که در مبادلات در سطح کلان جامعه بروز می‌کند، می‌توانند قوانینی را تصویب کنند و این مشکلات را مرتفع نمایند و کارایی اقتصادی را در مبادلات افزایش دهند. بخش نظارت و اجرای قراردادها نیز به حاکمیت برمی‌گردد. در صورت مشاهده عدم تسهیل مبادلات در جامعه می‌توان به این نتیجه دست یافت که حاکمیت در ایفای وظیفه خود کوتاهی کرده است.

در فقه شناخت و آگاهی از ابعاد مختلف کالای مورد مبادله یکی از شرایط مهم و اصلی مبادله است. فقها معمولاً سه چیز را متعلق این حکم می‌دانند و آن جنس، مقدار و صفت کالا است.<sup>۱۰</sup> بنابراین عوضین در این سه چیز باید برای فروشنده و خریدار معلوم باشد تا مبادله به نحو شرعی انجام پذیرفته باشد. در متون فقهی درباره شرایط عوضین اختلاف نظر وجود دارد. برخی فقها شرایط عوضین را پنج شرط ذکر کرده‌اند و برخی بیشتر ذکر کرده‌اند. صاحب شرایع، شرایط را یا متعلق به متعاقدين ذکر می‌کند یا به عوضین و شرایط متعاقدين را چهار شرط بیان می‌کند و شرایط عوضین را پنج چیز برمی‌شمارد.<sup>۱۱</sup> شهید ثانی در شرح لمعه تعداد بیشتری شرط ذکر می‌کند.<sup>۱۲</sup> البته برخی از این شرایط را می‌توان به برخی دیگر از شرایط برگرداند.

بحث شفافیت از بنیانی‌ترین عناصر نقش‌آفرین در کاهش هزینه مبادله و تسهیل مبادلات و سرعت بخشیدن به مبادلات است که در سطح کلان اقتصادی و توسعه مبادلات و تجارت نقش مهمی دارد و در مباحث فقهی شرایط عوضین یا کالاهای مورد مبادله نیز بر آن تأکید شده و حتی در صورت عدم شفافیت مبادله را باطل می‌کند.

یکی از شرایط مهم شفافیت، معلوم بودن عوضین است. با توجه به مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هزینه مبادلات، عناصر یادشده را در سه محور قرار داده، شرایط، نظارت و ضمانت اجرا در فقه امامیه را بررسی می‌کنیم.

۱۰. زین‌الدین الجبعی العاملی، *الروضه البهیه فی شرح اللعنه الدمشقیه، الطبعه الثانیه* (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳)، ۲۶۴.

۱۱. المحقق الحلّی، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، الطبعه الثانیه، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی (بیروت: دارالاضواء، ۱۳۸۹)، ۱۴.

۱۲. الجبعی العاملی، *الروضه البهیه*، ۲۴۶-۲۸۴.

### ۳-۱. قرارداد و شرایط آن

در هر قراردادی، دو طرف قرارداد به‌علاوه مورد مبادله وجود دارد که شرایط آن‌ها به‌طور واضح باید در آن روشن گردد. این محور بحث که مربوط به طرفین قرارداد و شرایط کالا و خدمات است در آثار و کتب فقهی به‌ویژه اثر فقهی مشهور محقق حلی، *شرایع الاسلام*، تحت عنوان شرایط متعاقدين و شرایط عوضین موضوع بحث قرار گرفته است.

#### الف) شرایط طرفین قرارداد

صاحب *شرایع* برای متعاقدين چهار شرط بلوغ، عقل و اختیار و مالک یا مأذون از طرف مالک بودن را ذکر کرده است. با شرط اول مبادله از سوی انسان غیر بالغ ممنوع می‌شود. با شرط دوم مبادله از جانب کسی که واجد جنون یا در حال مستی است، نامعتبر است. با شرط سوم مبادله کسی که از روی اجبار وادار به مبادله شده نامعتبر است. بنا بر شرط چهارم اگر فروشنده کالایی را که ملک دیگری است بفروشد، جایز نیست و خریدار مالک آن نمی‌شود.<sup>۱۳</sup>

#### ب) شرایط کالا و خدمات مورد مبادله

محقق حلی پنج شرط برای کالای مورد مبادله ذکر می‌کند. وی معتقد است که هر کدام از این شرایط وجود نداشته باشد، مبادله باطل است. این شرایط عبارت‌اند از:

۱- **قابلیت تملک داشتن کالا:** با این شرط فروشنده کالاهایی را که قابلیت مالک شدن برای انسان ندارند نمی‌تواند بفروشد؛ مانند مصادیق انفال (کوه‌ها، دره‌ها و...) که افراد نمی‌توانند مالک آن‌ها شوند، پس قابل فروش نیستند. همچنین هر چیزی که منفعت یا نفع عقلایی برای فروشنده و خریدار نداشته باشد، قابل تملک نیست؛ مانند برخی حشرات.

۲- **آزاد بودن کالا:** شرط آزاد بودن کالا به دلیل این است که از خرید و فروش کالاها و اموالی که وقف هستند یا در رهن قرار دارند جلوگیری شود.

۳- **قابل تسلیم بودن کالا:** این شرط بدین معناست که فروشنده حق ندارد کالایی را که امکان تحویل آن به مشتری وجود ندارد بفروشد؛ مثلاً فروشنده نمی‌تواند پرنده‌ای را که در آسمان پرواز می‌کند به کسی بفروشد.

۱۳. المحقق الحلی، *شرایع الاسلام*، ۱۴. ؛ الجبلی العاملی، *الروضه البهیة*، ۲۲۶؛ الشیخ مرتضی الانصاری، کتاب *المکاسب*، الجزء الثاني، (بیروت: مؤسسه النعمان، ۱۴۱۰)، ۳۱۵-۳۴۳.



۴- معلوم بودن کالا: بر اساس این شرط کالای مورد مبادله و معادل آن (ثمن) باید از نظر جنس، وصف و مقدار مشخص و معلوم باشد.<sup>۱۴</sup>

شرایط چهارگانه یادشده در شفافیت مبادلات- که نقش اساسی در کاهش هزینه مبادلات دارند- تأثیرگذار هستند؛ بدین صورت که در صورت فقدان هر کدام از شرایط یادشده باعث اختلاف میان طرفین مبادله شده و نیاز به رجوع به دادگاه و صرف هزینه خواهد شد.

معلوم بودن کالا شامل موارد بسیاری می‌شود. این که کالا از چه نظر باید معلوم باشد بستگی به نوع کالا دارد. به‌طور کلی در بحث معلوم بودن عوضین می‌توان سه ویژگی را نام برد که در فقه نیز بر همین سه ویژگی تأکید شده است: ۱. جنس کالا؛ ۲. اوصاف کالا؛ ۳. مقدار کالا.

البته این موارد در زمان‌های گذشته که کالاها پیچیدگی زیادی نداشتند در فقه و کلام فقها نیز به همین موارد بسنده شده است؛ اما امروزه که کالاها پیچیدگی‌های بسیاری دارند، این پیچیدگی‌ها منجر به ویژگی‌های خاصی در کالا می‌شود که در قیمت کالا و ارزش آن تأثیرگذار است و در این موارد قطعاً نیاز به شفافیت مضاعف در مبادلات هستیم. ابزارهای سنجش نیز امروزه بسیار دقیق‌تر شده است که به شفافیت کالای مورد مبادله کمک می‌کند.

### ۳-۲. ضمانت اجرای قرارداد

بحث خیار در فقه برای پیش‌گیری از منازعات بعدی است که احیاناً ممکن است پس از مبادله پیش بیاید و باعث افزایش هزینه مبادله گردد؛<sup>۱۵</sup> به این صورت که هنگامی که قرارداد مبادله به‌خوبی تعریف نشده باشد یا یکی از طرفین مبادله با فرصت‌طلبی بخواهد حق طرف دیگر مبادله را نادیده بگیرد حق فسخ نوعی تضمین برای خریدار یا فروشنده است تا بتواند از این حق استفاده نموده و حقوقی را که برای او در قرارداد مقرر شده استیفا کند.<sup>۱۶</sup> به عبارتی نوعی تضمین برای خریدار کالای مورد مبادله محسوب می‌شود. در این بخش از نوشتار نخست به تعریف و انواع حق فسخ در فقه پرداخته می‌شود و برای نمونه به احکام برخی خیارهای خواهیم پرداخت.

۱۴. المحقق الحلّی، *شرایع الاسلام*، ۱۶-۱۷؛ الجعی العالی، *الروضه البهیة*، ۲۴۶.

۱۵. چنانکه از روایات مورد استناد برای اثبات شرایط مبادله نیز استفاده می‌شود. «فالاولی ان هذا لثمنی (نهی النبی عن بیع الغرر) من الشارع لسد باب المخاطره المفضیه الی التنازع فی المعاملات»؛ الشیخ مرتضی الانصاری، *کتاب المکاسب*، ۱۳۲ و ۱۴۷.

۱۶. الشیخ مرتضی الانصاری، *کتاب المکاسب*، ۱۳۲ و ۱۴۷.

### ۳-۲-۱. تعریف خیار

خیار انواع بسیاری دارد در کتب فقهی معمولاً هفت مورد بیان شده است. صاحب‌لمعه چهارده نوع را بیان نموده است؛ اما می‌توان همه انواع را در همان هفت مورد جای داد.<sup>۱۷</sup> خوانساری خیار را حق خاصی می‌داند که از رابطه میان عقد و طرف دیگر آن به دست می‌آید؛ یعنی یکی از احکام خیار قدرت بر فسخ پیدا کردن کسی است که حق فسخ برایش ثابت می‌شود؛<sup>۱۸</sup> بنابراین خیار حق فسخی است که برای تضمین اجرای قرارداد به حسب شرایط به یکی از طرفین قرارداد یا به هردو طرف مبادله داده می‌شود تا بتوانند از رفتارهای فرصت‌طلبانه یا حتی غیر فرصت‌طلبانه‌ای که مخل مبادله یا حقوق طرف دیگر مبادله است جلوگیری نمایند... پس از بیان تعریف خیار، بر اساس مثنی صاحب‌تسریع به جهت اختصار به احکام برخی انواع آن می‌پردازیم.<sup>۱۹</sup> برای رعایت اختصار به سه مورد از حق فسخ‌ها که در مبادلات بیشتر پیش می‌آیند اشاره می‌کنیم.

#### ۱- خیار غبن

یکی از حق فسخ‌ها خیار غبن است. این حق فسخ در جایی است که فروشنده کالای خود را با قیمت بالا (غیرمتعارف) به خریدار بفروشد. درحالی‌که خریدار از قیمت واقعی کالا بی‌خبر باشد و این نوعی خدعه محسوب می‌شود؛ بنابراین برای خریدار حق فسخ محفوظ است. در مورد فروشنده نیز خیار غبن صادق است.<sup>۲۰</sup>

#### ۲- خیار عیب

خیار عیب، حق فسخی است که بامعیوب بودن کالا برای خریدار یا فروشنده ثابت می‌شود. عیب را محقق حلی هر چیزی می‌داند که از خلقت اصلی کالا به حسب نوع آن خارج شده باشد؛ چه اضافه بر خلقت اصلی باشد، چه ناقص باشد. مثال‌هایی نیز می‌آورد از اضافه یا نقص مانند انگشت اضافه یا کمبود آن. حتی نقص در صفت راهم عیب تلقی می‌کند.<sup>۲۱</sup>

۱۷. الشیخ مرتضی الانصاری، کتاب المکاسب، ۲۱۵.

۱۸. السید احمد الخوانساری، جامع المبارک فی شرح مختصر النافع، الجزء الثالث، (بی‌جا: مکتبه الصدوق، ۱۴۰۵)، ۱۴۳.

۱۹. برای اطلاع از دیگر خیارها و حق فسخ‌ها و مستندات آن‌ها، نک: رساله نگارنده یا کتب فقهی مانند شرایع الاسلام

(المحقق الحلی، شرایع الاسلام، ۲۲) و کتاب مکاسب شیخ انصاری (الشیخ مرتضی الانصاری، کتاب المکاسب، ۲۱۵).

۲۰. المحقق الحلی، شرایع الاسلام، ۲۲؛ الجبعی العالمی، الروضه البهیة، ۴۶۳؛ الشیخ مرتضی الانصاری، کتاب

المکاسب، ۲۶۱-۲۶۲.

۲۱. المحقق الحلی، شرایع الاسلام، ۳۶.

### ۳- خیار تدلیس

یکی دیگر از موارد حق فسخ که در اینجا مورد بحث واقع می‌شود خیار تدلیس است. خیار تدلیس در جایی است که فروشنده یا خریدار کالای مورد مبادله را به نحوی نشان دهند که واقعیت ندارد و فروشنده یا خریدار به اشتباه بیفتند. در این صورت خیار تدلیس برای بایع یا مشتری که در حقیقت تدلیس صورت گرفته ثابت است.<sup>۲۲</sup>

### ۴. قواعد حاکم بر مبادلات

از میان قواعد فقهی دو قاعده مشهور «لا ضرر» و «نهی از غرر» است. این دو قاعده به‌ویژه قاعده «لا ضرر» را فقها در بسیاری از ابواب و احکام فقهی مورد استفاده و استناد قرار داده‌اند. این دو قاعده در راستای تضمین حقوق مالکیت و کاهش هزینه‌های مبادلات می‌تواند استفاده شود و مورد استناد قرار گیرد؛ چنانکه شیخ انصاری نکته مهمی را از دلیل و حکمت نهی از غرر بیان می‌کند و می‌گوید: «قاعده نفی غرر جهت جلوگیری از مخاطراتی است که منجر به نزاع - و در نتیجه افزایش هزینه - در معاملات می‌شود».<sup>۲۳</sup> شیخ انصاری و خوانساری برای شرط معلوم بودن عوضین به همین روایت استناد کرده‌اند.<sup>۲۴</sup>

### ۵. تشابه و تفاوت نگاه نهادگرایان و فقها به مبادله و هزینه مبادله

نگاه نهادگرایان نسبت به مبادله با نگاه فقها در تعریف و شرایط ظاهری مبادله تفاوت معناداری وجود ندارد و از نظر کارکردی نیز تقریباً در یک راستا قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر، در نگاه و آثار فقه‌های امامیه نیز تا حدود زیادی همان معنا و اهداف مورد نظر نهادگرایان قابل استخراج و استفاده است؛ بدین صورت که شرایطی مانند معلوم بودن کالا و دیگر شرایط در فقه تا حدودی همان عنصر شفافیت مورد تأکید نهادگرایی جدید در اقتصاد است که به‌طور ضمنی در فقه مورد تأکید قرار گرفته تا جایی که با فقدان این شرط مبادله باطل می‌شود. همچنین احکام مربوط به خيارات به عنوان نوعی تضمین برای پیشگیری از رفتار فرصت‌طلبانه طرفین مبادله می‌تواند عمل کند که در مباحث هزینه مبادله مورد تأکید نهادگرایان است. منتها فرق این دو

۲۲. المحقق الحلی، *شرایع الاسلام*، ۳۷.

۲۳. الشیخ مرتضی الانصاری، *کتاب المکاسب*، ۱۳۲.

۲۴. الشیخ مرتضی الانصاری، *کتاب المکاسب*، ۱۴۲؛ السید احمد الخوانساری، *جامع المدارک*، ۱۰۰.

رویکرد در این است که نهادگرایان در اقتصاد به بعد اقتصادی مسئله توجه دارند؛ یعنی موضوع تسهیلگری و کاهش هزینه مبادله، اما رویکرد فقه با شفافیت در مبادلات و حق فسخ در مبادلات از نگاه وظیفه مکلف از نظر شرعی و معذور دانستن فقیه در فتوا در برابر شارع مقدس است. تفاوت دیگر این است که نگاه نهادگرایان به موضوع مبتنی بر عقل بشری است، اما نگاه فقها مبتنی بر وحی (قرآن و سنت) و عقل است.

### ۶. کارکرد احکام فقهی در چگونگی کاهش هزینه مبادله

از یک سو انسان‌ها برای سامان بخشیدن به اقتصاد جامعه خود نیاز به مبادله دارند و هر مبادله‌ای بدون صرف هزینه امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر کاهش هزینه مبادلات بر تسهیل و گسترش مبادلات تأثیرگذار است؛ بنابراین به دنبال راهکارهای کاهش هزینه مبادله بودن یک ضرورت است. احکام فقهی می‌تواند در این راستا تأثیرگذار باشد. فقه در قالب احکام و قوانین رسمی و آداب و سنن غیررسمی برای افراد جامعه می‌تواند افراد جامعه را به این توانایی قانونی برساند تا بتوانند از ابعاد و حقوق مختلف مندرج در یک قرارداد استفاده نموده، دیگران را از استفاده آن بازدارند؛ بنابراین شناخت و آگاهی از شرایط و قواعد حاکم بر مبادلات و تضمین حقوق قرارداد سنگینی بار هزینه مبادلات را کاهش می‌دهد و در تسریع مبادلات و توسعه اقتصادی نقش مؤثری ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد اساس و معیار احکام خیارات نیز برای این است که اولاً طرفین مبادله در معامله دچار ضرر غیرمتعارف نگردند و این که از رفتارهای فرصت‌طلبانه طرفین مبادله پیشگیری شود و هم نوعی تضمین است و ایجاد نظم در مبادلات در جامعه تا از افزایش هزینه مبادلات کاسته شود. در بخش بعدی مقاله به عناصر تأثیرگذار بر حقوق مالکیت که باعث افزایش هزینه مبادلات در دوره صفویه شده است خواهیم پرداخت.

### ۷. حقوق مالکیت در عصر صفوی

عصر صفویه در تاریخ ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. این دوران، از نظر طول مدت، حدود یک‌دهم از کل تاریخ مدون تقریباً دو هزار و پانصد ساله ایران است.<sup>۲۵</sup> فقهای شیعه نیز در حاکمیت این دوره نقش مؤثر و پررنگی داشته‌اند. درک دوره صفویه برای ما لازم است، چون بدون فهم

۲۵. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، چاپ اول، [بی‌جا]: انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۷۸، ۶۲.

موقعیت گذشته و حال، درک درستی از مسیر در حال حرکت پیدا نخواهیم کرد. این همان مفهوم وابستگی به مسیر طی شده است که توسط نورث بیان شده است.<sup>۲۶</sup>

از مؤلفه‌های مهم و بنیادین اقتصاد نهادگرا امنیت و شفافیت و تضمین حقوق مالکیت است. باید توجه داشت که هرگونه ناامنی منجر به ناامنی در حقوق مالکیت خواهد شد و ناامنی در حقوق مالکیت به ناامنی در دیگر متغیرهای اقتصادی منجر می‌گردد که نتیجه نهایی آن افزایش هزینه مبادله و کاهش مبادلات است. شواهد و نمونه‌های بسیاری در این دوره وجود دارد که بیانگر این است که مؤلفه‌های حقوق مالکیت به‌جز دوره‌های کوتاهی مورد خدشه واقع شده و همین امر از عوامل مهم افزایش هزینه مبادله و در نتیجه رکود مبادلات و اضمحلال اقتصادی و فروپاشی امپراتوری صفوی شده است. دوران صفویه که از شاه اسماعیل شروع می‌شود، «اگر بخواهیم به تاریخ و اقتصاد ایران دوره قبل از او نگاهی بیندازیم چیزی نمی‌توان گفت جز این که عدم امنیت و عدم ثبات سیاسی و آشفتگی راه‌ها و قتل و غارت‌ها موجب شده سرمایه‌ها در زیر زمین مدفون شود و تجارت از رونق بیفتد و کشاورزی نکس پذیرد و پریشانی مردم از حد بگذرد».<sup>۲۷</sup>

#### ۷-۱. رابطه امنیت و شفافیت حقوق مالکیت با هزینه مبادله و رشد مبادلات

نورث در کتاب *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی* نقش شفافیت در حقوق مالکیت و قوانین را تا آنجا برجسته می‌کند که حوزه سیاست راهم دربرمی‌گیرد و می‌گوید: «این قوانین نه تنها سازمان‌های اقتصادی ضعیف را باید حذف نماید، بلکه سازمان‌های سیاسی ضعیف را هم باید حذف نماید. به عبارتی ساختار کارآمد قوانین باید به گونه‌ای باشد که بتواند سازمان‌های اقتصادی و سیاسی کارآمد را تقویت نموده و ضعیف را حذف نماید. واژه کارآمد برای نمایش شرایطی استفاده می‌شود که در آن شرایط، مجموعه محدودیت‌های موجود به رشد اقتصادی می‌انجامد. به‌ویژه نهادهایی که به طرفین مبادله امکان می‌دهند هر چه بیشتر سودهای تجاری را تصرف کنند».<sup>۲۸</sup>

۲۶. داگلاث سیسیل نورث، *فهم فرایند تحول اقتصادی*، ترجمه میرسعید مهاجرانی و زهرا فرضی‌زاده، چاپ اول، (بی‌جا: انتشارات نهادگرا، ۱۳۹۶)، ۹۵.

۲۷. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، ۶۲.

۲۸. داگلاث سیسیل نورث، *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، چاپ اول، (تهران: انتشارات سازمان برنامه‌وبودجه، ۱۳۷۷)، ۱۳۳.

### ۷-۲. رابطه حقوق مالکیت، مالیات و هزینه مبادله

ساختار حقوق مالکیت در هر کشوری تأثیر انکارناشدنی در رشد و توسعه آن کشور دارد؛ بنابراین نظام‌های مختلف حقوق مالکیت رشد و توسعه متفاوتی را برای هر کشور رقم خواهد زد. نورث در این زمینه معتقد است: علت نرخ‌های متفاوت رشد دولت‌های ملی در حال ظهور اروپا، در خلال قرن هفدهم را باید در ماهیت مالکیتی یافت که در آن‌ها به وجود آمده بود. نوع حقوق مالکیت، تعیین‌کننده شیوه ویژه توسعه هر دولت ملی بود.<sup>۲۹</sup> یکی از مؤلفه‌های مهم حقوق مالکیت، امنیت حقوق مالکیت است. عدم ثبات سیاسی باعث ناامنی در زمینه‌های مختلف می‌شود. ناامنی باعث افزایش هزینه‌های تأمین امنیت می‌گردد. از سوی دیگر افزایش هزینه‌های دولت برای ایجاد امنیت باعث می‌شود که دولت این هزینه‌ها را به‌گونه‌ای تأمین نماید؛ از این‌رو دولت ناچار می‌شود سراغ افزایش نرخ مالیات یا مالیات‌های جدید برود. افزایش نرخ مالیات و یا تأسیس مالیات‌های جدید در واقع خدشه‌دار کردن حقوق مالکیت افراد و افزایش هزینه مبادلات است. پس از روشن شدن رابطه امنیت با حقوق مالکیت و هزینه مبادله و رابطه حقوق مالکیت با مالیات، عوامل سه‌گانه امنیت، شفافیت و تضمین حقوق مالکیت در دوره صفویه را پی می‌گیریم.

### ۷-۳. مروری بر حقوق مالکیت در دوره صفویه

زمین یکی از منابع اصلی و عمده درآمدی دوره صفویه به‌ویژه دوره شاه‌عباس است که لازم است در اینجا حقوق مالکیت زمین موضوع بررسی قرار گیرد تا بتوانیم به پرسش مطرح‌شده پاسخ بدهیم.

شاردن، سیاح بزرگ فرانسوی، می‌گوید: «کلیه اراضی ایران متعلق به شاه است و او هرگاه اراده کند، می‌تواند آن را به‌صورت خالصه درآورد و املاکی که در دست مردم است ۹۹ ساله به آن‌ها تعلق دارد».<sup>۳۰</sup> مینورسکی نیز همین نظریه را تأکید کرده است.<sup>۳۱</sup> فلسفی هم همین

۲۹. داگلاث سیسیل نورث، *ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی*، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، چاپ اول، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹)، ۱۷۲-۷.

۳۰. ژان شاردن، *سیاحت‌نامه*، ترجمه محمد عباسی، (تهران: [بی‌نا]، ۱۳۳۶)، ۲۶۷.

۳۱. ولادیمیر فئودوروویچ مینورسکی، *سازمان‌داری صفویه یا تحقیقات و حواشی و تعلیقات بر تذکره الملوک*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، (تهران: کتاب‌فروشی زوار، ۱۳۳۴)، ۲۵۴.

نکته را نوشته است.<sup>۳۲</sup> البته این نظریه ممکن است مقداری اغراق آمیز باشد، اما در این که پادشاهان این دوره دارای قدرت مطلقه‌ای بوده‌اند و تقریباً همه امور به پادشاه ختم می‌شده شکی نیست. شواهد تاریخی نیز آن را اثبات می‌کند. این که همه اراضی متعلق به شاه است و شاه می‌تواند هر لحظه در آن تصرف نماید نکته مهمی است و شاید منظور نویسندگان اراضی دولتی بوده که بخش عمده‌ای از اراضی را در برمی‌گرفته است. معنای این سخن این است که حتی زمین‌های شخصی نیز در معرض تجاوز و مصادره است که به نوعی عدم امنیت در حقوق مالکیت محسوب می‌شود.

با توجه به گزارش‌های تاریخی موجود این دوره کلیه مزارع به چهار نوع تقسیم می‌شدند:

۱. مزارعی که ملک شخص شاه بود. (اراضی خاصه)

۲. مزارعی که در اختیار دولت بود. (اراضی ممالک - خالصه)

۳. مزارعی که وقف بود.

۴. مزارعی که ملک شخصی مردم بود.<sup>۳۳</sup>

#### ۷-۳-۱. املاک خاصه

زمین‌ها و مزرعه‌های ملکی شاه را املاک سلاطین قبلی و املاک مصادره شده از حکام و متنفذان که مورد غضب قرار می‌گرفتند تشکیل می‌داد. برای اداره و جمع‌آوری حاصل این املاک اشخاصی به نام ناظر ولایات فرستاده می‌شدند.<sup>۳۴</sup> به نظر می‌رسد این نوع اراضی همان قطایع الملوک است که در فقه آن را از انفال شمرده‌اند و متعلق به امام معصوم است. مصرف آن نیز در حکم انفال می‌شود؛ یعنی مصالح عامه مسلمین است. محقق در *شراعی* می‌گوید: وقتی سرزمینی فتح شد آنچه متعلق به پادشاه بوده از قطایع وصفایا برای امام است، در صورتی که از مسلمان یا معاهدی غصب نشده باشد.<sup>۳۵</sup> البته نوعاً این‌گونه اراضی از سوی سلاطین به زور و ظلم از اشخاص گرفته می‌شده است.

۳۲. نصرالله فلسفی، *زندگانی شاه عباس اول*، (تهران: کیهان، ۱۳۳۴)، ۲۷۰.

۳۳. ژان شاردن، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، (تهران: انتشارات طوس، ۱۳۷۵)، ۱۲۳۲.

۳۴. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، ۱۴۵؛ ویلم فلور، *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از*

*صفویه تا پایان قاجار*، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۴)، ۱۵۸.

۳۵. حسینعلی منتظری، *دراسات فی ولایت الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*، (قم: دارالفکر، ۱۴۱۱)، ۵۲.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود املاک خاصه املاکی است که از سلاطین قبلی یا متنفذان حکومت گرفته شده است و شیوه اجاره دادن آن نظم و ملاک خاصی ندارد. ضمن اینکه این‌گونه زمین‌ها از نظر فقهی چنانکه از صاحب شریع نقل شد، در صورتی که غصبی نباشد، متعلق به (در اختیار) امام معصوم است؛ یعنی حکم انفال را دارد و ملک شخصی شاه نیست تا بتواند هرگونه که میل داشت با آن برخورد کند. در صورتی که این اموال و املاک غصبی باشد، از نظر همه فقها شیعه تصرف در این املاک و اموال حرام است و باید به مالک و صاحبش برگردانده شود. در گزارش باستانی پاریزی بیان شد که نوعاً این املاک صادره شده از متنفذان بوده است. مصادره اموال و املاک از نگاه نهادگرایان و فقها در تضاد با تضمین حقوق مالکیت است.

#### ۷-۳-۲. اراضی ممالک (خالصه)

افزون بر املاک خاصه که به عنوان ملک شخصی در اختیار شاه بود، املاک خالصه نوعی دیگر از املاک دولتی در ولایات بود که در اختیار حکام محلی قرار داشت و اینان این املاک را یا به تیول کارگزاران خود واگذار می‌کردند یا عایدی آن را گرد آورده هزینه دوایر خود را و خصوصاً سپاهیان ولایات را تأمین می‌کردند.<sup>۳۶</sup> و آن را اراضی ممالک<sup>۳۷</sup> می‌گفتند. این زمین‌ها دقیقاً مشخص نیست جزء کدام دسته از زمین‌هاست؛ زمین‌های مفتوح العنوه یا زمین‌های صلحی یا زمین‌های انفال که شیوه استفاده و مصارف عایدی هر کدام در فقه متفاوت است. بنا بر گزارش شاردن پس از شاه‌عباس اول، ساروتقی (تقی زردمو) صدراعظم شاه صفی، دستور داد این املاک را از ولات گرفتند و تحویل ناظرها دادند. به عبارتی املاک خالصه را به املاک خاصه تبدیل کردند.<sup>۳۸</sup> کاتوزیان معتقد است که بیشترین سهم از زمین‌های دوره صفوی را اراضی خاصه و خالصه تشکیل می‌داده است؛ از این‌رو این نوع مالکیت یک حق ملغی‌شدنی تلقی می‌شد که در طول دوره صفویه این اتفاق رخ می‌داده است.<sup>۳۹</sup>

۳۶. لارنس لاک هارت، *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۴۴)، مقدمه؛ فلور، *تاریخچه مالی-مالیاتی ایران*، ۱۵۸.

۳۷. این اصطلاح ظاهراً براساس این گفته شده بود که هر استان را «مملکت» می‌گفتند؛ مثل مملکت فارس، مملکت کرمان و اراضی ممالک زمین‌هایی بود که در نواحی مختلف قرار داشت.

۳۸. شاردن، *سیاحت‌نامه*، ۱۷۲.

۳۹. محمدعلی همایون کاتوزیان، *ایران، جامعه کوتاه‌مدت و سه مقاله دیگر*، ترجمه عبدالله کوثری، چاپ ششم،

(تهران: نشر نی، ۱۳۹۳)، ۲۴.



این گونه تغییر مالکیت اراضی انفال یا اراضی مشترک و دولتی به ملکیت شخصی (با فرض این که املاک خاصه واقعاً ملک شخصی شاه باشد) و یا گرفتن اراضی خاصه و خالصه و واگذاری به شخص دیگر در واقع سلب حقوق مالکیت محسوب می شود که نه با امنیت و تضمین حقوق مالکیت در نظر نهادگرایان سازگاری دارد و نه با فقه امامیه؛ چون این گونه اراضی، اراضی دولتی بوده و قابل انتقال به ملک شخصی شاه نیست. این گونه تغییر مالکیت ایجاد ناامنی در حقوق مالکیت است، در حالی که حقوق مالکیت از نگاه نهادگرایان و فقه باید تضمین شود.

### ۷-۳-۳. املاک شخصی

املاک خصوصی را زمین هایی تشکیل می داده که متعلق به اشخاص و ارباب بوده است. دلاواله معتقد است تمام زمین ها در ایران به شاه تعلق دارد و تاجر و صنعتگر و زارع مستقل وجود ندارد. محصول در این املاک را میان ارباب و دهقان گاهی نصف و گاهی با توافق قبلی تقسیم می کنند. ارباب در برخی موارد ربع محصول و برخی موارد نیز ثلث دریافت می کرد. محصول میوه را هم به تراضی تقسیم می کردند.<sup>۴۰</sup> به نظرمی رسد احکام فقهی تا حدودی در مبادلات به معنای اعم در این گونه املاک و اراضی که نوعاً میان افراد جامعه رایج بوده رعایت می شده است. گزارش های تاریخی بیانگر این است که اراضی با مالکیت خصوصی نیز از تجاوز و تعدی در دوره صفویه مصون نبوده است و هیچ تضمینی برای حفظ حقوق مالکیت آن وجود نداشته است که در ادامه به آن می پردازیم.

هزینه های حفظ حقوق مالکیت در دوره صفویه بسیار بالا بوده است. اشخاص عادی توانایی پرداخت این هزینه ها را نداشته اند. تنها افراد بانفوذ می توانستند از املاک و دارایی خود محافظت کنند. حتی بسیاری از افراد بانفوذ و مأموران حکومتی نیز از تعدی و تعرض به اموال خود مصون نبودند؛ از جمله مشیزی که خود از مأموران محلی دولت در کرمان بود نیز گرفتار مصادره زمین هایش شده است. گرفتن املاک و اموال افراد به ویژه بدون ملاک و معیار و بدون احکام قضایی سلب حقوق مالکیت است. مصادره یکی از عوامل ناکارآمدی حقوق مالکیت در دوره صفویه بوده است. مصادره مبتنی بر وجود مالکیت خصوصی است. هنگامی که مصادره وجود دارد اندازه مالکیت خصوصی نه تنها رشد نمی کند، بلکه کاهش می یابد و راه برای راه اندازی

۴۰. شاردن، سیاحت نامه، ۲۶۹ - ۲۷۰.

پروژه‌های بزرگ و جدید پرخطر خواهد شد. گزارش‌های بسیاری از مصادره اموال و املاک افراد و بزرگان در منابع اولیه دوره صفویه وجود دارد که بیانگر ناامنی در حقوق مالکیت خصوصی در این دوره است. شاردن تعداد کاروانسراها و بازارهای مصادره‌شده در اصفهان را بیش از ۲۴۷ باب ذکر می‌کند.<sup>۴۱</sup>

شاهطهماسب طی ۶۰ سال حکومت طولانی خود در اداره کشور اسیر دست نظامیان قزلباش بود. هر روز طایفه‌ای را به ولایتی می‌فرستاد و آن‌ها می‌رفتند و خانواده‌ها را قلع‌و‌قمع می‌کردند و ثروت مردم را مصادره می‌کردند و صاحبان آن را می‌کشتند یا مجبور به مهاجرت می‌کردند. این موضوع ناشی از ضعف اراده شاهطهماسب در برابر ۱۱۴ هزار قزلباش (نظامی) بود که خود را به دلیل جنگ‌های زمان شاه اسماعیل محق و طلبکار شاهطهماسب می‌دانستند.<sup>۴۲</sup> در چنین شرایطی به‌طور کلی مالکیت مفهوم خودش را از دست می‌دهد و نوبت به حقوق مالکیت و تضمین حقوق مالکیت نمی‌رسد.

شاهعباس با نقطویان رفتار خشونت‌باری داشت؛ به قول میرزا حسن فسایی «آن پادشاه جنت‌مکان، خون‌ها ریخت و سرها بردار آویخت، از کله‌ها مناره‌ها ساخت و شهرها از آبادی پرداخت تا شوریدگی‌ها را آرام داد».<sup>۴۳</sup> شاهعباس با این که رفتارهای خشنی داشته، برای رفاه حال عموم مردم، شروع به بخشیدن مالیات‌ها نمود، برخی بدعت‌ها را لغو کرد و املاکی که مصادره شده بود را برگرداند؛ از جمله در سال ۹۹۸ (۱۵۸۹م) «ملک محمد و ملک قباد و ملک ولد سیستانی و... املاک فرمانی و میراثی ایشان که در زمان قزلباش خالصه و نابودشده بود، ملک به ایشان گذاشت».<sup>۴۴</sup>

در این که منشأ مصادره‌ها در طول دوره صفویه چیست و چرا چنین پدیده‌ای به‌صورت نهادینه درآمد است، عوامل مختلفی ممکن است دخالت داشته باشد. یکی احتمال قدرت گرفتن و سرکشی در مقابل شاه بوده است. منشأ دیگر درآمدزایی مصادره‌ها بوده است؛ چنانکه باستانی

۴۱. شاردن، سفرنامه شاردن، ۱۴۶۶.

۴۲. محمدابراهیم باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ۱۲۰-۱۲۱.

۴۳. حسن بن حسن فسایی، فارس‌نامه ناصری، تصحیح: منصور رستگار فسایی، چاپ دوم، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸)، ۱۵۳.

۴۴. محمد شاه حسین بن غیاث‌الدین، احیاء الملوک، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴)، ۳۱۸.

پاریزی می‌گوید: به علت کثرت اموال مصادره‌ای - که شاید بشود گفت قسمت عمده دهات آباد کرمان به‌صورت تیول و خالصه درآمده بود - و به علت این که تعهد مالی و نظامی حکام کرمان در این برهه از زمان بسیار کم بوده است، حکومت کرمان به‌صورت یک پست کم‌خرج و پردرآمد بوده است؛ از این‌رو شاه و صدراعظم و به‌طور کلی دربار کسی را به حکومت کرمان می‌گماشت که توقع هرگونه سوءاستفاده را از او داشته باشد.<sup>۴۵</sup> شاردن نیز می‌گوید: «شاه به‌تنهایی به اندازه همه افراد کشور خود درآمد دارد. این درآمد از طریق مصادره روزبه‌روز افزایش می‌یابد».<sup>۴۶</sup>

مصادره اموال در دوران شاه‌عباس دوم شدت گرفت و جانی خان حاکم کرمان به انتقام قتل ساروتقی به قتل رسید و اموال او مصادره شد. برادرش را نیز گرفتند. اموال داود خان یکی از کارگزاران جانی خان که بیش از دو میلیون از مردم گیلان به‌زور اخاذی کرده بود مصادره شد؛ حتی اموال بستگان وی تا درجه سوم مصادره شد و دخترانش را در ملاء عام فروختند و پسرانش را مقطوع‌النسل کردند.<sup>۴۷</sup>

«مرتضی‌قلی خان قورچی باشی قاجار کشته شد و «اموال و اسباب و املاک و مایعرف او به دیوان اعلیٰ منسوب گشت و پسران وی را روانه قلعه کلات و الموت نمودند».<sup>۴۸</sup> اموال میرزا هاشم وزیر مازندران را زمان شاه سلیمان به این دلیل توقیف و مصادره کردند که خلعت شاه را نپذیرفته بود؛ وی را زیر شکنجه و چوب زدن به دار فانی فرستادند. شاردن درباره محیط وحشت و ارباب زمان شاه‌عباس دوم می‌گوید: «درواقع زمین‌داران و مقتدران در بیم و وحشت و عدم تأمین زندگی می‌کردند. وی اضافه می‌کند: وقتی یکی از اشراف به نام رستم خان هنگامی که از حضور شاه بیرون آمده بود به دیدنم آمد، با سیمایی بشاش وارد شد و آینه‌ای برداشت و لبخندزنان دستارش را بر سر میزان کرد و سپس به من گفت: هر بار که از حضور شاه بیرون می‌آیم، واری می‌کنم بینم هنوز سرم روی شانه‌هایم هست یا نه؟ حتی وقتی به خانه می‌آیم برای اطمینان در آینه نگاه می‌کنم».<sup>۴۹</sup>

۴۵. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، ۴۵۴.

۴۶. ژان شاردن، *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵)، ۲۹۴.

۴۷. شاردن، *سیاحت‌نامه شاردن*، ۷۹، ۹۱.

۴۸. محمدطاهر وحید قزوینی، *عباسنامه*، تصحیح: ابراهیم دهگان، (اراک: کتاب‌فروشی داوودی، ۱۳۳۹)، ۳۳۱.

۴۹. شاردن، *سیاحت‌نامه شاردن*، ۱۵۶.

علی‌قلی خان که مدت پنج سال در زندان شاه بود پس از فرار و آزادی با چیره‌دستی بر شاه سلیمان مسلط شد و سپس دست به مصادره اموال مردم و رشوه‌خواهی زد؛ به‌گونه‌ای که بزرگ‌ترین ثروت را اندوخت. او حتی اموال خارجی‌ان را مصادره می‌کرد.<sup>۵۰</sup> این در حالی است که در زمان شاه‌عباس تلاش می‌شد که خارجی‌ان و اقلیت‌ها امنیت داشته باشند. کاتوزیان نمونه‌های بسیاری از مصادره اموال و املاک افراد را در دوره‌های مختلف تاریخی ایران ذکر می‌کند و بر این باور است که حتی خود مردم مصادره از سوی شاه را ناقض حقوق مالکیت نمی‌دانند.<sup>۵۱</sup> به نظر می‌رسد این نگاه و تصور ناشی از وابستگی به مسیر طی شده نورث است. جریان مصادره اموال و املاک وزرا و منتقدان تقریباً نهادینه شده بود. اگرچه این رویه معمولاً نسبت به حاکمان ولایات اتفاق می‌افتاد، حاکمان نیز در مورد زیردستان و رعیت خود چنین رویه‌ای را اعمال می‌کردند.<sup>۵۲</sup>

#### ۷-۳-۴. موقوفات

بخش بزرگی از املاک و مزارع تمام ایران، در این عصر جزو موقوفات بوده است. اصولاً وقف از نظر اجتماعی از نشانه‌های پیشرفت جامعه و نوعی تعدیل و توزیع ثروت است. چون هنگامی افراد جامعه به وقف توجه نشان می‌دهند که درآمدشان بیش از هزینه‌های زندگی‌شان باشد. از سوی دیگر بر اساس اصول و موازینی که برای موقوفات از قرن‌ها پیش در نظر گرفته شده است، معمولاً ثروت‌ها بعد از چند سالی از خانواده‌ای و طبقه‌ای به خانواده و طبقه دیگر منتقل و تعدیل ثروت صورت می‌گیرد؛ بدون اینکه عامل عدم رضایت یا خونریزی و شورش در پی داشته باشد و در واقع یک رفرم اجتماعی صورت می‌گیرد.<sup>۵۳</sup> البته همیشه این‌گونه نیست که وقف‌ها به صورت طبیعی انجام پذیرد، خصوصاً در دوره‌های گذشته بسیاری از اوقات افراد به خاطر ترس از مصادره اموال و املاکشان را وقف می‌کرده‌اند. در عصر صفویه به‌ویژه از زمان شاه‌عباس، موقوفات یک جهش و توسعه خاص داشته است؛ آن‌هم به این دلیل بوده که اغلب اعیان و مالکان به وقف

۵۰. شاردن، سیاحت‌نامه شاردن، ۱۵۱.

۵۱. کاتوزیان، ایران، جامعه کوتاه‌مدت، ۲۶-۲۸.

۵۲. برای اطلاع بیشتر از این رویه در زمینه مصادره، نک: محمدابراهیم باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد عصر

صفوی، ۴۸۷، ۴۹۳، ۵۰۱، ۵۵۷، ۵۸۱، ۵۹۳، ۶۴۴؛ وحید قزوینی، عباسنامه، ۱۸۳، ۳۱۰، ۳۲۱، ۳۲۹.

۵۳. محمدابراهیم باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ۱۵۹.

توجه خاصی نشان دادند و اموال خود را وقف کردند. در رأس همه آن‌ها خود شاه‌عباس بود که الگوی امرا و بزرگان شد و در سال ۱۰۱۶ ق «کل املاک خاصه خود را از رستایق و خانات و قیصریه و چهار بازار و حمامات، حتی خواتم اصابع مبارکه را به چهارده تقسیم مقسوم و بر ۱۴ معصوم وقف نمود. وقف‌نامه به خط شیخ بهاء‌الدین محمد العالمی نگاشته شد. پادشاهان گرامی نژاد ایران را بعد از خود به تولیت این موقوفات معین نمود».<sup>۵۴</sup> اصل وقف یک سنت نیکو بوده که از پادشاه گرفته تا دیگر امرا به آن توجه نشان داده‌اند، اما بیشتر وقفیات شاه‌عباس، چنانکه در گزارش آمده، از املاک خاصه بوده که بیان شد این املاک جزء انفال بوده و تغییر مالکیت آن خود نوعی ایجاد نامنی برای حقوق مالکیت است. در ضمن مصرف وقف با مصرف انفال متفاوت است. در موارد بسیاری نیز وقف‌ها از سر ناچاری و ترس از مصادره انجام می‌گرفته است که این نیز خود نشان از نامنی در حقوق مالکیت دارد.

شاردن معتقد است «بسیاری از ثروتمندان برای محافظت از اموال و املاکشان، راه چاره‌ای اندیشیده‌اند و آن این است که با قباله‌ای، عایدات املاک خود را برای نگهداری مسجد یا مدرسه‌ای وقف می‌نمایند».<sup>۵۵</sup> برای نمونه جانی خان ظاهراً پس از آنکه احساس خطر کرد در ۱۰۵۴ قبل از مرگش اقدام به وقف اموالش نمود.<sup>۵۶</sup>

#### ۷-۴. امنیت، تجارت و بازرگانی در دوره صفویه

عوامل مختلفی باعث شکوفایی و رونق اقتصادی دوره صفویه (دوره شاه‌عباس اول و دوم) شد، اما مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در دو عنصر بنیادی ایجاد امنیت و ثبات سیاسی خلاصه کرد. این دو عنصر مهم و اساسی نیز ناشی از نگاه توسعه‌گرایی شاه‌عباس بوده است. در این نگاه توسعه‌گرا شاه‌عباس توجه ویژه‌ای به منابع درآمدی کشور داشت و برای افزایش درآمدها ابتدا این منابع را شناسایی نمود و بعد به سرعت به رفع موانع و ایجاد زیرساخت‌ها پرداخت. منابع درآمدی آن دوره بیشتر کشاورزی، دامداری، جنگل‌داری و تجارت و صنعت بود که به چگونگی پیشبرد و به حرکت درآوردن آن‌ها خواهیم پرداخت. چنانچه باستانی پاریزی نیز در

۵۴. میرخواند، ۱۳۷۳: ۸ / ۳۹۱؛ ان کاترین اسواین فورد لمتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، چاپ سوم،

تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، (۱۳۶۲)، ۲۲۳.

۵۵. شاردن، سیاحت‌نامه شاردن، ۲۰۵.

۵۶. محمدابراهیم باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ۴۴۹.

این زمینه می‌گوید: «قبل از هر چیز موفقیت شاه‌عباس اول در کارها بیشتر در اثر امنیتی است که ایجاد کرده بود، هرچند این امنیت موجب مرکزیتی شدید هم شد که نقض غرض بود. شکل‌گیری حکومت‌های جدید در ایران در آغاز کار همیشه همراه با آشفتگی و هرج و مرج بوده است؛ اما این آشفتگی‌ها و نابسامانی‌ها اقتصاد جامعه را وارد فاز بحران می‌نماید. باستانی پاریزی معتقد است که در دوره صفوی یعنی از زمان شاه اسماعیل و قبل از آن عدم امنیت و عدم ثبات سیاسی و آشفتگی راه‌ها و قتل و غارت‌ها جز این چیزی به بار نیاورد که سرمایه‌ها زیرزمین مدفون شد و تجارت از رونق افتاد و کشاورزی نکس پذیرفت و پریشانی مردم از حد گذشت تا مردی دلیر و بی‌باک مرکزیتی در کارها ایجاد کرد و ثبات و امنیت آفرید و آب رفته را به جوی بازآورد».<sup>۵۷</sup>

«شاه اسماعیل با خشونت تمام مخالفان را نوعاً در قفس آهنی یا چوبی به آتش می‌کشید و با سخت‌گیری‌های فراوان با قوه قهریه قزلباش آرامش و مرکزیتی به وجود آورد و با چنین مقدماتی یک حکومت شسته و رفته را تحویل شاه‌طهماسب داد و در ۹۳۰ قمری / ۱۵۲۴ میلادی در عین جوانی، یعنی ۳۸ سالگی درگذشت یا کشته شد».<sup>۵۸</sup>

این‌گونه خشونت‌ها بی‌شک آثار مخربی بر اقتصاد داشته که نمونه‌های آن در دوره شاه‌طهماسب آشکار شده و بر اثر ناامنی‌های ایجادشده توسط قزلباشان اموال مناطق مختلفی از کشور هدف دستبرد آنان قرار می‌گرفت و اوضاع اجتماعی و اقتصادی را به شدت آشفته کرده بود. در شرایط ناامنی و خشونت شدید و فقدان ثبات سیاسی قطعاً حقوق مالکیت نیز مورد تجاوز و تعدی قرار می‌گیرد؛ یعنی عناصری که با نبود آن‌ها به‌طور کلی نظام حقوق مالکیتی شکل نمی‌گیرد تا بعد از شکل‌گیری خدشه‌دار شود.

ناامنی یکی از مؤلفه‌هایی است که به شدت حقوق مالکیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امنیت به‌طور کلی یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی در کاهش هزینه مبادلات و رشد مبادلات تجاری و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. مؤلفه امنیت رابطه مثبتی با رونق تجارت و بازرگانی دارد؛ به‌گونه‌ای که در صورت فقدان امنیت هیچ بازرگان و تاجری سرمایه خود را

۵۷. محمدابراهیم باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ۶۲.

۵۸. شاه حسین بن غیاث‌الدین، احیاء الملوک، ۱۴۰.

به خطر نمی‌اندازد. یکی از وجوه مهم امنیت در توسعه مبادلات و تجارت، امنیت راه‌ها بوده و هست. در عصر شاه‌عباس امنیت راه‌ها و رواج بازرگانی، توجه خارجیان را به سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور جلب کرد. قراردادهای متعددی، خصوصاً در مورد تجارت ابریشم با دول خارجی بسته شده است. ابریشم بیشتر در گیلان به دست می‌آمد و کیفیت این محصول حتی مدت‌ها پیش از صفویه نیز در آن سرزمین قابل توجه بوده است. «حوالی سال‌های ۷۹۰ تا ۸۰۵ ق (۱۳۸۸ تا ۱۴۰۲ م) که تیمور مازندران را تسخیر کرد، مالیات آنجا به صورت ابریشم وصول می‌شد و گیلانات ده هزار من ابریشم مالیات می‌داد».<sup>۵۹</sup>

بی‌شک درآمد هنگفتی که به خزانه دولت و شاه می‌رسید، ناشی از رفاه عمومی و درآمد تجاری گسترده بوده است. سیاحان خارجی بارها در این دوران از پیشرفت و توسعه تجارت سخن گفته‌اند. وجود بازارهای متعدد در شهرهای مختلف و کالاهای گوناگون در این بازارها بیانگر رونق اقتصادی بود. برای مثال می‌توان به یک شهر متوسط یزد اشاره کرد که در آن شهر به قول تاورنیه «چندین بازار هست و همه مسقف هستند و این بازارها پر هستند از دکاکین تجار و صنعتگران و امتعه و کالا».<sup>۶۰</sup> تعدد بازارها خود می‌تواند دلیل بر رونق اقتصادی باشد. بازارهای اصفهان - که در آن زمان پایتخت بوده- و میدان شاه اصفهان نیز مهم‌ترین میدانی بوده که در آن دادوستد عمده صورت می‌گرفته است؛ و علاوه بر آن اطراف این میدان فروشندگان بسیاری همیشه حضور داشته‌اند. هنوز هم بسیاری از بازارهای عمده عهد صفوی دائر هستند.<sup>۶۱</sup> این رفاه و رونق تجارت ناشی از ایجاد امنیت و حفظ حقوق مالکیت بوده است. این مسئله از موضع‌گیری شاه‌عباس در برابر ارامنه در مقابل مسلمانان مازبانان - بنا بر نقل دهخدا، یکی از روستاهای اصفهان است- قابل فهم است.

#### ۷-۵. مالیات و مالیات‌ستانی‌های غیر معمول

شیوه دریافت مالیات‌ها گاهی با خشونت بسیار همراه بوده است. به گونه‌ای که بعضی را آن قدر با چوب کتک می‌زده‌اند که می‌مرده است. برخی نیز خودکشی می‌کرده‌اند و در برخی موارد

۵۹. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، ۲۰۴؛ پرسی مولزورث سایکس، *تاریخ ایران*، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، (تهران: علمی، ۱۳۶۲)، ۲۸۰.

۶۰. ژان باپتیست تاورنیه، *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری، (تهران: تاپید، ۱۳۳۶)، ۱۶۹.

۶۱. برای اطلاع از وسعت بازارهای مختلف، نک: محمدابراهیم باستانی پاریزی، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، ۲۴۱-۲۴۲.

مأموران دریافت مالیات خود نیز گرفتار این خشونت‌ها می‌شده‌اند. با این حال، شاردن در مقایسه مردم ایران، با دیگر ملل می‌گوید: «با همه این‌ها، هیچ امپراتوری وجود ندارد که در آن آدمی کمتر از این تحت فشار مالیات و خراج باشد، رعایا چیزی به‌عنوان سرانه نمی‌پردازند»<sup>۶۲</sup> و زاد و توسعه زندگی از مالیات معاف است».<sup>۶۳</sup> این قسمت از سخن شاردن که زاد و توسعه زندگی از مالیات معاف بوده متأثر از احکام فقهی خمس است. این مسئله رانمی توان به انواع مالیات‌هایی که حکومت دریافت می‌کرده تعمیم داد. این‌گونه مالیات ستانی نیز با فقه ناسازگار و با تضمین حقوق مالکیت مورد نظر نهادگرایان جدید نیز سازگاری ندارد.

در دوره صفوی مالیات‌هایی برای تأمین مخارج دربار وضع شده که هیچ مبنای فقهی ندارد. از مالیات‌های نوظهور می‌توان از نسق روغن و چوپان بیگی نام برد. «مالیات‌های نوظهور کرمان مالیاتی بود که به نام نسق روغن در دفاتر ثبت می‌شده است. سلاطین صفوی افزون بر گله‌های گوسفند که خود داشتند، سالیانه مبلغی برای مالیات از گوسفندداران می‌گرفتند و این مالیات «چوپان بیگی» خوانده می‌شد و متصدی ضبط آن «چوپان باشی» بود. اسکندر بیگ می‌گوید: چوپان بیگی از شماره گوسفندان بازیافت می‌شود و قریب بیست هزار تومان عراقی هر ساله از آن وجه به وصول می‌پیوست.<sup>۶۴</sup> شاردن در این زمینه می‌گوید: «عوائد شاه پس از عوارض ایالات و خالصه از حقوق اربابی تأمین می‌شود که عبارت است از: اولاً عوارض چارپایان که درآمد عمده‌ای را تشکیل می‌دهد، زیرا خواه نسبت به پشم خواه نسبت به بره‌ها نسبت یک‌هفتم است».<sup>۶۵</sup> در فقه (حداقل با دیدگاه مشهور) مالیاتی تحت عنوان نسق روغن و چوپان بیگی وجود ندارد؛ بنابراین از منظر فقهی توجیه‌پذیر نیست. مالیات و مالیات‌ستانی در واقع به اعتقاد نورث نوعی تعدیل حقوق مالکیت است و شیوه اخذ و میزان آن تأثیر انکارناشدنی بر حفظ و تضمین حقوق مالکیت دارد. شیوه‌های خشونت‌بار و نامتعارف مالیات‌ستانی در طول دوره صفویه نشان از غیرعادلانه بودن و غیرشفاف بودن نظام مالیاتی و به تبع آن نظام حقوق مالکیت دارد.

۶۲. البته این نظر شاردن درست به نظر نمی‌رسد، چون بر اساس دیگر گزارش‌ها مالیات سرانه نیز گرفته می‌شده است. این که زاد و توسعه زندگی از مالیات معاف بوده نیز بر مبنای مالیات‌های اسلامی یعنی خمس درست است، نه مالیات‌های حکومتی که اخذ می‌شده است.

۶۳. شاردن، سیاحت‌نامه، ۳۳۲.

۶۴. اسکندر بیگ ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، (تهران: امیرکبیر، [بی‌تا])، ۵۸۷.

۶۵. شاردن، سیاحت‌نامه شاردن، ۲۸۰.



## نتیجه‌گیری

سامان‌یابی اقتصاد بدون مبادله امکان‌پذیر نیست و مبادلات در اقتصاد همه جوامع با صرف هزینه همراه است. وجه اشتراک مفهوم هزینه مبادله در میان اقتصاد نهادگرایی جدید و فقه امامیه، در حقوقی است که نظام فقهی یا دولت در قالب قوانین رسمی و آداب و سنن غیررسمی برای افراد جامعه در نظر می‌گیرند تا افراد جامعه بتوانند از ابعاد و حقوق مختلف مندرج در یک قرارداد استفاده نموده و دیگران را از استفاده از آن بازدارند؛ بنابراین آگاهی از شرایط و قواعد حاکم بر مبادلات و تضمین حقوق قرارداد، سنگینی بار هزینه مبادلات را کاهش داده و در تسریع مبادلات و توسعه اقتصادی نقش مؤثری ایفا می‌کند. در این راستا تلاش شد با روش توصیفی و تحلیل اقتصادی و فقهی به دو پرسش پاسخ داده شود: اول، آیا فقه امامیه ناظر به هزینه مبادلات موردنظر نهادگرایی جدید است؟ دوم، آیا عناصر مورد تأکید نهادگرایی و فقه امامیه در دوره صفویه- با توجه به نقش پررنگ فقها در این دوره- رعایت و مورد توجه قرار گرفته است؟ در این نوشتار ضمن تبیین عناصر و مؤلفه‌های هزینه مبادله از نگاه نهادگرایان جدید و تطبیق آن‌ها با احکام و شرایط مبادلات در فقه امامیه و مروری بر حقوق مالکیت در دوره صفویه به این نتیجه دست یافتیم که احکام و شرایط و قواعد حاکم بر مبادلات در فقه می‌تواند به لحاظ کارکردی، یعنی کاهش هزینه مبادلات، مورد تأکید نهادگرایان جدید همپوشانی داشته باشد، اگرچه از نظر مبنایی این دو رویکرد با یکدیگر تفاوت دارند. همچنین با بررسی شرایط اقتصادی عصر صفوی به این نتیجه رسیدیم که مؤلفه‌های حقوق مالکیت مورد تأکید نهادگرایان و فقهای امامیه یعنی امنیت، شفافیت و تضمین حقوق مالکیت جز در مقاطع محدودی در عصر صفویه رعایت نشده است.

## کتاب‌نامه

### الف- کتب و مقالات

#### ۱. فارسی و عربی

- الانصاری، الشیخ مرتضی. کتاب المکاسب. الجزء الثاني، بیروت: مؤسسه النعمان، ۱۴۱۰.
- آقائظری، حسن. «تبیین چیستی نهاد و استلزامات آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۸۶ (۱۳۹۵): ۱۵۷-۱۴۳.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. سیاست و اقتصاد عصر صفوی. چاپ اول، [بی‌جا]: انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۷۸.
- تاورنیه، ژان باپتیست. سفرنامه. ترجمه ابوتراب نوری. تهران: تایید، ۱۳۳۶.
- ترکمان، اسکندر بیگ. تاریخ عالم‌آرای عباسی. تهران: امیرکبیر. [بی‌تا].
- الجبعی العاملی، زین‌الدین. الروضه البهیه فی شرح اللعنه الدمشقیه. الطبعة الثانية، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- الحسینی العاملی، السید محمدجواد. مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. چاپ اول، [بی‌جا]: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۵.
- الخوانساری، السید احمد. جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. الجزء الثالث، [بی‌جا]: مکتبه الصدوق، ۱۴۰۵.
- دمستز، هرولد. «به سوی یک تئوری در حقوق مالکیت»، ترجمه محسن رنانی، فصلنامه تأمین اجتماعی ۳، شماره ۱۰ (۱۳۸۰): ۷۱۵-۷۳۰.
- ذوالمجدین، زین‌العابدین. شرح تبصره علامه حلی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
- راغفر، حسین. «فردگرایی و کل‌گرایی در اقتصادهای نهادگرایی قدیم و جدید»، فصلنامه جامعه و اقتصاد ۶، شماره نوزدهم و بیستم (بهار و تابستان ۱۳۸۸): ۱۵۳-۱۹۰.
- رنانی، محسن. بازار یا نابازار. تهران: برنامه‌بودجه، ۱۳۷۶.
- رودی، مته. زوال صفویه و سقوط اصفهان. ترجمه مانی صالحی علامه، [بی‌جا]: نشر نامک، ۱۳۹۴.
- سایکس، پرسی مولزورث. تاریخ ایران. ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: علمی، ۱۳۶۲.
- شاردن، ژان. سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی، تهران: انتشارات طوس، ۱۳۷۵.
- شاردن، ژان. سیاحت‌نامه شاردن. ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵.
- شاردن، ژان. سیاحت‌نامه. ترجمه محمد عباسی، تهران: [بی‌تا]، ۱۳۳۶.

- شاه حسین بن غیاث‌الدین، محمد. *احیاء الملوک*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- فسایی، حسن بن حسن. *فارس‌نامه ناصری*. تصحیح: منصور رستگار فسایی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- فلسفی، نصرالله. *زندگانی شاه‌عباس اول*. تهران: کیهان، ۱۳۳۴.
- فلور، ویلم. *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجار*. ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۴.
- فوران، جان. *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*. ترجمه احمد تدین، چاپ نهم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. *ایران، جامعه کوتاه‌مدت و سه مقاله دیگر*. ترجمه عبدالله کوثری، چاپ ششم، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳.
- لاک هارت، لارنس. *انقراض سلسله صفویه*. ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- لمتون، ان کاترین اسواین فورد. *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری، چاپ سوم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- متوسلی، محمود و جمال فتح‌اللهی. «مقدمه‌ای بر نظریات ویلیامسون و کاربرد آن در تحلیل مسائل توسعه ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی* ۱۰، شماره سوم (۱۳۸۹): ۲۵-۵۲.
- متوسلی، محمود، محمود مشهدی احمد، مصطفی سمیعی نسب، و علی نیکونستی. *تجدید حیات اقتصاد نهادی (نگاهی به اندیشه‌های اقتصاددانان نهادی جدید)*. تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
- متوسلی، محمود، محمود مشهدی احمد، علی نیکونستی، و مصطفی سمیعی نسب. *اقتصاد نهادی (پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند)*. چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- المحقق الحلی. *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. الطبعة الثانية، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی، بیروت: دارالاضواء، ۱۳۸۹.
- المحقق الکرکی، علی بن الحسین. *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱-۱۴۰۸.
- مکی‌العاملی، محمد بن جمال‌الدین. *الروضه البهیة فی شرح لمعه الدمشقیة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- منتظری، حسینعلی. *دراسات فی ولایت الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*. قم: دارالفکر، ۱۴۱۱.
- میرخواند، محمدبن خاوندشاه. *روضه الصفا*. تصحیح: عباس زریاب خوبی، تهران: علمی، ۱۳۷۳.
- مینورسکی، ولادیمیر فئودروویچ. *سازمان اداری صفویه یا تحقیقات و حواشی و تعلیقات بر تذکره الملوک*. ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: کتاب‌فروشی زوار، ۱۳۳۴.

نورث، داگلاث سیسیل. «دولت و هزینه مبادله در تاریخ»، ترجمه علی طوسی اردکانی، مجله برنامه و توسعه ۲، شماره ۸ (تابستان ۱۳۷۳): ۱۱۷-۱۳۶.

نورث، داگلاث سیسیل. *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*. ترجمه محمدرضا معینی، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.

نورث، داگلاث سیسیل. *ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی*. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.

نورث، داگلاث سیسیل. *فهم فرایند تحول اقتصادی*. ترجمه میرسعید مهاجرانی و زهرا فرضی‌زاده، چاپ اول، [بی‌جا]: انتشارات نهادگرا، ۱۳۹۶.